

محقق و نسخه‌شناس بزرگ ایرانی: ایرج افشار

کارل چرتی*



از دانش گسترده ایشان بهره زیادی جستیم. وی در انجمن ایران‌شناسی اروپا (SIE) نیز عضو بود و از اعضای بسیار برجسته و بانفوذ محسوب می‌شد و به واسطه همین امر به عنوان عضو افتخاری «انجمن مطالعات ایرانی در آمریکا» پیشنهاد داده شد. انجمن ایران‌شناسی اروپا، در ژوئن ۱۹۸۳ در روم با چهل محقق اروپایی برجسته و با هدف حمایت از مطالعات مربوط به ایران در اروپا هدفی که ایرج افشار در مقیاس جهانی دنبال می‌کرد تأسیس شد و اکنون به کانون بزرگ دانشگاهی تبدیل شده است که بیش از چهار صد عضو در اقصانقاط دنیا دارد.

هر چند آنجلو میشل پیه مونتسه، در بین همه محققان ایتالیایی، دوست خوب ایرج افشار بود که از دانش گسترده وی در حوزه نسخ خطی ایران بهره برده بود، اما ایرج افشار همکاری چندانی با دانشگاه ایتالیا نداشت. یکی از فعالیت‌های مهمی که او را با کشور من پیوند می‌داد، انتشار مجدد یکی از نوشته‌های سیدحسن تقی‌زاده، یکی از شخصیت‌های اصلی نهضت مشروطه بود که با دست‌نوشته‌های با ارزش خود مؤلف تکمیل شد. یکی از این آثار، که موضوع سیاسی نداشت، با عنوان *گاه‌شماری در/یران قدیم* توسط ایرج افشار چاپ شد که اخیراً به ایتالیایی ترجمه شده است.^۱

و من فرصت مغتنمی داشتم که این ترجمه را در سپتامبر ۲۰۱۰، زمانی که از سفر کوتاهش از رم بازگشته بود، به وی نشان دهم. علاوه بر این ایرج افشار همراه با یک گروه از متخصصان پرآوازه، وظیفه انتشار نسخ خطی مربوط به تاریخ کشورش را در مجموعه‌ای به نام *گنجینه نسخه برگردان‌های متون فارسی* بر عهده گرفت. در بین متون انتخابی، نسخه خطی مشهور *شاهنامه* هم بود که اکنون در کتابخانه ملی فلورانس نگهداری می‌شود. این نسخه، قدیمی‌ترین نسخه خطی شناخته‌شده شاهکار فردوسی، تألیف شده به سال ۱۲۱۷ میلادی است که تقریباً معادل نیمی از متن *شاهنامه* است، متأسفانه مابقی آن مفقود شده است. این متن توسط آنجلو پیه مونتسه در سال

زمانی که مطلع شدم ایرج افشار به دیار باقی شتافت، ذهنم برای لحظاتی به این امر معطوف شد که من این سعادت را داشته‌ام که از مصاحبت او بهره‌مند شوم. چندین غروب در حیاط منزلش در تهران و گاه در کنفرانس‌های بین‌المللی با ایشان شرکت داشتم. به هر روی در این نوشتار نمی‌خواهم از صحبت‌های دوستانه و شخصی‌ام با ایشان صحبت کنم بلکه می‌خواهم که بر توانایی‌های اخلاقی و فکری ایرج افشار در زمینه بین‌الملل و روابط متقابلش با کشورم تأکید کنم.

احتیاجی به گفتن نیست که ایرج افشار یکی از پرکارترین مؤلفان ایرانی در سده‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی بوده که در حوزه‌های مختلف بسیاری دست به تحقیق زده است. به ویژه در حوزه نسخه‌شناسی (codicology)، فهرست‌نویسی و مطالعات کتاب‌شناختی و تاریخ معاصر. با این که رشته تحصیلی خود من به‌وضوح از حوزه علمی او متفاوت بود، من در هر فرصتی از دانش گسترده او بهره بردم، بسیاری از آثار و نوشته‌های او را خواندم به خصوص ستون «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» که عمدتاً در دو ماه‌نامه *بخارا* منتشر می‌شد که در آن ستون، بخش وسیعی از آثار متأخر در حوزه مطالعاتی ما معرفی می‌شد. این مقالات که با اقبال خوانندگان مواجه بود، علاوه بر اینکه جذابیت زیادی برای محققان داشت، نمایی کلی از آن‌چه در ایران رخ داده بود و آن‌چه درباره فرهنگ و تمدن این کشور بزرگ نوشته شده بود در اختیار می‌گذاشت.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد در این نوشتار به هیچ وجه در پی ارائه تصویری کلی از آثار ایرج افشار نیستم، لیکن خودم را به برخی از جنبه‌های فعالیتش که شاهدش بوده‌ام، منحصر کرده‌ام.

ایرج افشار همیشه نسبت به همکاران و هم‌قطاران خارجی‌اش توجه خاص داشت. وی آنها را در کلاف هزارتوی آثار ایرانیان راهنمایی می‌کرد و در هر کاری به آنها مشورت می‌رساند. من شخصاً مدیون سخنرانی‌های مفید او هستم و در آن مدت

1. H. Taqizadeh, *Il computo del tempo nell'Iran antico*, cu Simone Cristoforetti, IsIAO, Roma 2010

* نماینده فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران



ملی فلورانس تا کنون اجازه این کار را نداده است. بی نهایت تأسف می خورم از این که ایرج افشار زنده نیست تا نسخه‌ای که در ایران در دست چاپ است ببیند. امیدوار بودم که با انجام این کار اولین گام را در جهت همکاری طولانی مدت بین این محقق بزرگ ایرانی و سازمان فرهنگی کشورم بردارم؛ باشد که این اثر نشانی باشد برای جاودانه به یاد سپردن ایرج افشار.



قلم رنجه

بهاء‌الدین خرمشاهی*



کوشاترین ایران‌شناس و پربارترین

یک دهان به پهناي فلک هم نمی تواند شرح فرهنگ زنده و زندگی فرهنگی آن بزرگمرد یگانه را بازگوید. در مقاله «چه بی نشاط بهاری که بی رخ تو رسید» که گزارش مراسم / یکی از مراسم بزرگداشت استاد ایرج افشار در مرکز دانشنامه بزرگ اسلامی، در روز دوشنبه ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۹، با شکوه تمام است، خبرنگار خبره‌ای به نام ابراهیم عبدالله‌زاده در سرآغاز چنین نوشته است: «باید اهل فرهنگ باشی تا بدانی نوشتن / تصحیح ۳۰۰ کتاب، بیش از دوهزار مقاله و یادداشت، پیمودن و جب به جب تمام شهرها و روستاهای این سرزمین کهن، سردبیری چندین نشریه فرهنگی [و مجموعه ادواری مانند حدوداً ۲۰ کتاب به نام نامواره دکتر محمود افشار] و همکاری با آنها، کتابداری، نسخه‌شناسی، فهرست‌نگاری، تدریس دانشگاهی در ایران و گاه در خارج، مطالعات ایران‌شناسی، قاجارپژوهی، مدیریت انتشارات، همکاری در سطوح مختلف با نهادهای پژوهشی و ایران‌شناسی و کتابخانه‌ها و مراکز نسخه‌های خطی، یعنی چه.» (روزنامه شرق، شماره پیاپی ۱۲۰۹، به تاریخ ۸۹/۱۲/۲۵). در همین مجلس که به گزارش آن اشاره شد، بنا به گزارشنامه روزنامه شرق، شماره پیاپی ۱۲۰۹، به تاریخ ۸۹/۱۲/۲۵، از قول استاد بزرگ، جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبابی، در اشاره به خدمات عظیم روان‌شاد استاد ایرج افشار چنین آمده است:

تدوین فهرست مقالات فارسی، تأسیس [و سال‌ها اداره]

* نویسنده و پژوهشگر و عضو پیوسته فرهنگستان و ادب فارسی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، پایه‌گذاری رشته کتابداری [پیش از تأسیس این رشته در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران] و اهدای کتابخانه بی‌نظیر و استثنایی [شامل بر بیش از سی هزار عنوان کتاب و چند هزار عنوان نشریه، به چند زبان، با تمرکز بر ایران‌شناسی ایرانی و جهانی] به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، از کارهای بزرگ، خدمات ماندگار و استثنایی شادروان ایرج افشار بود.

خانم دکتر ژاله آموزگار، استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، او را دانشمندی به تمام معنا انسان شمرده که گشاده‌دل، دارای حسن اخلاق، بسیار دان، جوان‌پرور و بخشنده در اندیشه و گفتار و کردار بود. استاد افشار جزو آخرین مردان از تبار مردان بزرگ یعنی شایستگی‌ارجمند و پرورده دوران ممکن‌ها بود؛ نسلی که محیط مناسب به آنها اجازه داده بود به دنبال آنچه می‌خواهند بروند؛ زمانه در آنها شور و عشق و علم و ادب پدید آورده بود؛ یک‌بعدی نبودند و هر یک دایرةالمعارفی بودند - بزرگانی نظیر: قزوینی، پورداوود، فروزانفر، مینوی، زرین‌کوب، محمدامین ریاحی، زریاب خویی و ایرج افشار.

استاد افشار نمونه نمایان و اسوه شایانی در مهر ورزیدن به ایران و تمدن و فرهنگ آن، به‌ویژه در دوران اسلامی بود. او در حدود ۳۰۰ کتاب ارزشمند را شناسایی و بازیابی و تصحیح و احیا کرده است.

حوزه علایق او بسیار گسترده بود؛ از شاهنامه‌شناسی تا جغرافیا و تاریخ و گیاه‌شناسی و ادبیات و حتی فرهنگ عامه و

